اورد و هم و خس و خاشاک گناه ایشان را بسیل عدم بردم و بحرف رابع ضامن شدم حفظ دین ترا برای ایشان بردوام تا ساعت قیام و شیخ
ابو سعید قرشی گفته بیت من میم ملک لا نام مسلم : والحاء حق قوله بالتمام : من میم الثانی المحبة ظاهره : والدال دلت زمرة الاسلام و دیگر
زیبا گفته بیت ای نام تو میم اولین مقصد دل : حا گشته حیات ابدی را شامل : میم دگرش محمل دین را حامل : وز دال دوای دردمندان حاصل
بعضی برانند که میم اولی اشارتست بمیثاق الهی که از انبیا جهت ایمان بدو و نصرت او فرا گرفته شد وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ است
حا ایمانست بحب او در قلوب سل تا است شناسی اگه داخل امت او باشند از ضمیر ایشان سر بر زده وَاَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ میم ثانیه
از موج و مرتبه او که در کتب سالفه مذکور گشته یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریة والانجیل دال نشانه ایست از دعوة خلیل که در باره او
وقوع یافته رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ و در آیات باهرات گفته که میم اول شیر است بمرتبه شفاعت کبری یعنی مقام محمود
عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا حاجات خواستن او و روا کردن ملک وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ میم دگر مناجات
او در خلوتگاه او ادنی با حضرت معبود فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ دال دوم ملک و تا روز موعود لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ و در
کتاب میگوید که نوح را از نام او حرفی بود از طوفان نجات یافت موسی یک حرف از آن داشت بعلو درجات رسید داود
و نی پای همت بر سر خلافت نهاد سلیمان به یمنت حرفی داد سلطنت لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي بداد و چه زیبا گفته اند بیت این نام
دلگشاییست اینکه موسی مسیح : افسر خود کرده اند از میم ملک آرای او : این چه همت این که نوح و یحیی و اسحق را : فیض حمد و حکم و حشمت
داده اند از حای او : تا به پیش نام ابراهیم آدم شد تمام : سلیمان کرده اسمعیل رو دل جای او : دال و نیش گر در آخر نادی هو داده سینه
ادریس آدم را نکو ماوای او : حضرت داود گر نیش دو عالم پر صداست : از همین یک حرف زینت یافت سرتا پای او : در فصول عبدالله
آورده که میم اول بزبان اشاره عبارت از منت است که بسبب مبعوث او بر مومنان عاید ساخته لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ
فِيهِمْ رَسُولًا حا طریق ایمانیست از حکم او که رضا بدان شرط وجود ایمان گردانیده فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ میم ثانی
از روی کنایه رمزیست از مغفرت که گناهکاران امتش وَاسْتَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلِذَنْبِكَ دال بزبان حال ناطق است بدعوت رحمت
و دلالت بر امتش ادْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ بیت ای چشم جهان بچشمه میم تو باز : در حلقه فاکوش فلک زینت ساز : کامل شده از میم دگر
دور وجود : و خم گشته ز دال پشت گردون بنیاز : و گفته اند میم اول ملک امت و نیست از ابتدای بعثت و دوام حا حیوة قلوب
آنحضرتست بکلام و تا روز قیامت میم ثانی علامت معرفه کامله است و دال دلیل دلالت شامله در ریاض المذکرین آورده که آدم علیه السلام
دانهای او بر صورت اسم محمد صلوات الله علیه و آله آفریده شده اند و این نشان تفضیل و تعظیم اوست مراد می مدور مخلوق گشته چون
میم و دیده از جانبین چون حرف حا و در خط کوفی و معقلی بطن چون میم ثانی و رجلین چون حرف دال بدین صورت پس زنده
که اهل کفر را ام که بدین صورت مسخ کنند دوزخ ایشان را نسوزد و چون نفس الامر استحقاق عذاب دارند لاجرم حق سبحانه و تعالی
صورت ایشان تبدیل کند از این هیأة بهیأتی دیگر چنانچه در حدیث آمده که دندان کافر در دوزخ چون کوه احد خواهد بود والله اعلم و حضرت
حقایق پناهی در قصه یوسف علیه السلام بیان حروف این اسم برین اسلوب ادا نموده بیت محمد کش قلم چون نامور ساخت : ز نیمش حلقه طوق

ساخت

ساخت : توانند شد ز سر حالش آگاه : خرد با جمله دانش حالش تنه : درین دیر ستون زد هست روشن : دشمن روزنی [illegible]
پای آراست از مغفال دالش : سر دین پروران شد پایمالش : چو ناست که این در دیوان هستی : بر درگه شاه ی پش استی : چو
نام او هرچه باشد : نکوتر بود از هرچه باشد : بعضی محققان گفته اند که میم اول اشارت بدان اربعین است که بدایت خلقت انسانی واقع شده که خمرت
طینت آدم بیدی اربعین صباحا و میم دوم عبارت از اربعین که در نهایت سلوک اشرف آدمیان روی نموده من اخلص لله اربعین صباحا
و حرف حا ایمای بحقیقت محمدیه که از بدایت تا نهایت در مراتب نبوت سریان نموده ترتیب انبیا نموده و دال اگر دلالت بر دلالت
او بحقایق اشیا و هدایت بمکارم اخلاق بعثت لاتمم مکارم الاخلاق بیت چل صباح و هشت خلد بنام محمد است : خود حرف حا و میم
برین نکته دال ایفت : و امیر حسن دهلوی فرموده : یک حرف تو چل صباح آدم را نور : یک حرف تو هشت خلد را مایه سور : حرف میم چهل
ولی را دستور : دز چارم چار رکن عالم معمور : در رساله محمدیه مذکورست که حضرت محقق گفته که دال انتهای نهایت باشد و میم که در اسم مونث
احاطه بجا حد کرده اند اشارت بدو اربعین است که یکی در تخمیر طینت واقع شده و اشارت باجمال وجودیست و دیگری در تخلیص قلب اهل
حکم در دیافته و عبارت از تفضیل علی شهودیست و حضرت شیخ سعد الدین قدس سره فرموده اند که حا اشارت یعنی سند امان ایمان و گشت
از حا روح و نفخت فیه من روحی و دال یدالله فوق ایدیهم و چون با میم قدمین غیب و شهادت که قدم قصد و قدم صدق انضمام دو
ترکیب اسم محمد صلوات الله علیه بیرون آید و اگر میم مالکیه را که میم را پس است با حا مرکب سازند احمد گردد و پس میم محمد باعتبار
و همین محمد صلوات الله علیه و آله باعتبار قدمین ای از امتزاج میمین ملک ملکوت یا حد که نهایت کمالست استدلال توان کرد
براکه صاحب این اسم را کمال صوری و معنوی بر وجهی که بران متفرد باشد حاصل بوده بیت نه فلک از نام محمد مقیم : هر دو جهان در حلقه میم
دو میم بعد از بیان اجمالی از حروف شمه از تفاصیل حال هر یک باز نموده میشود تا میم منبع مراد و سرچشمه اسرار مبدا و معاد است
بیت چشمه میمش ز زلال حیات : میکند احیای عظام رمیم : در شمس المعالی آورده که میم از حروف نفس کلیست و آفتاب را اسم او
در فلک خود از لمعات اوست و او سریست که حق سبحانه در اول و وسط اسم حبیب خود صلوات الله علیه و آله درج نموده تا اول از ملکوت
جزو هر دو ثانی از سر ملک دادو جامع بود میانه کشف عالم ملک و کشف حضرت ملکوت و چون میم را جهت علوی و جهت سفلی است ایمای
یافت تا اول بود در علویات و دوم بر سفلیات و مفهوم ارباب فهوم شود که عالم علوی و جهان سفلی در ظل تربیت همین اسم
گوش جهان حلقه کش میم اوست : هر دو جهان حلقه تسلیم اوست امام جعفر صادق ع در جامع که نوع جزء است میم را از حروف قواعد یه که
قاعده خود و غیر بپاشد داشته چو میم هم قاعده نفس خود است و هم قاعده جسم در تیسیر آورده که المیم [illegible] و خاتمة و مظهر
ذی الحسن و قوام الخلق میم عبارت از تمام کمالات پس لاجرم اشاره بدان توان بود که آنحضرت متمم جمیع کمالات صورت و معنیست
هم در عالم دینی و هم در عالم عقبی چه قاعده هر عالم یکی از آن دو میم است بیت زهی فی گرد ازین حلقه بهوش : دو عالم را دو میمش
حلقه در گوش : ز رنگ نام او عالم و دمیست : که عالم را یکی او را دو میم است : یکی میمش کز حشمت یکی تاج : باحسانش دو عالم دیده
محتاج و شیخ عطار علیه الرحمه فرموده بیت هشت جنت جرعه خوار جام اوست : هر دو عالم از دو میم نام اوست : هر دو عالم را که یک میم [illegible]

Copyright © King Saud University